

این انسان مبارز اندیشه مرا تغییر داد...

شهید ابوعلی مصطفی،

معاون پیشین دبیر کل جبهه خلق برای آزادی فلسطین



دارم.

چشم در مقابل چشم؛ جبهه خلق برای آزادی فلسطین در واکنش به شهادت ابوعلی مصطفی توسط نظامیان رژیم اسرائیل، یکی از وزیران صهیونیست افراتی آن رژیم را به هلاکت رساند. شهید ابوعلی مصطفی در سرزمین‌های اشغالی فلسطین زندگی می‌کرد و یکی از رهبران انتفاضه بود. وی از نزدیک شاهد شکوفایی و اوج‌گیری حرکت‌های انقلابی بود و در زمان حیات خود با شهید فتحی شقافی ارتباط نزدیک داشته و وی را می‌ستود. این مقاله دیدگاه‌های یک رهبر چپ‌گرا و ناسیونالیست جنبش فلسطین را درباره فتحی شقافی بیان می‌کند.

نبوده بلکه در صحنه‌های ما در فلسطین پیش از انتفاضه و در آستانه آن وجود داشته است.

هنگامی که جنبش‌های اسلامی بنظر ما همچون دشمن بوده‌اند و ما نیز از نظر آنها دشمن محسوب می‌شدیم و زمانی ما را روی منبرها تکفیر می‌کردند، در آن زمان بنا به گفته آنها پیش از رهایی جامعه از اشغالگران لازم بود جامعه را از ما رها سازند.

خط مشی جنبش سیاسی اسلامی و قرار گرفتن موضع اعلام شده خود در مشارکت در مقاومت علیه دشمن واحد همه ما یعنی (رژیم صهیونیستی) تمامی کابوس‌های دشمنی‌ها را که میان ما وجود داشت بر طرف ساخت. ولی همه آن مسائل ریشه در عوامل و شخصیت‌ها و نیروهای از قلب جنبش ملی فلسطین داشته است. من نیز به طور جزم عقیده دارم که جنبش جهاد اسلامی در فلسطین و دبیر کل مبارز آن فتحی شقافی، نقشی بزرگ و حتی تاریخی در ایجاد تحول کیفیتی در اسلام سیاسی که گرفتار کشمکش‌های ایدئولوژیکی بود و متحول نمودن آن به اسلام سیاسی مبارز با احساس مسئولیت ملی و فلسطینی که از آن همگان است داشته است. وی نقش خود را از یک پیشتاز در اندیشه ایدئولوژیکی که فلسطین است به عاملی تجسم بخش اندیشه با جنبش جهادی برخوردار از روح حضور ملی فعال در مقاومت دشمن واقعی ایفا کرد که اسلام سیاسی را در راه نزدیک شدن روابط ملی فلسطین گسترده برای فلسطین قرار داد. من یک بار دیگر باز می‌گویم که ویژگی‌های این درک را از جلسات گفتگو که بدان اشاره کردم، توضیح دهم. در آن زمان ابراهیم شقافی نقش بزرگی در برطرف سازی دشواری‌های موجود در راه درکی واحد نسبت به مسائل ایفا نمود. هیچ وقت روح تعصب در فتوی و غرور در وی دیده نشد. او همیشه می‌گفت که مشکل ما نبود اعتماد در ریسمان پاسخ‌های سیاسی در مورد مسائل کنونی است.

داشت.

ابو ابراهیم شقافی هیچ گاه از انجام گفتگو و دیدارهای دو جانبه و بحث پیرامون چیزهایی که بتواند اختلافات را به نفع وحدت بزداید احساس ناامیدی نمی‌کرد و همیشه دغدغه وی رسیدگی به مسأله ملی یکپارچه بود و همیشه نگرانی او مسأله فلسطین بود. او در قلب مسأله فلسطین قرار داشت. او همیشه نقطه نظرها و پیشنهادهایی را که مشکلات و موانع را از راه برمی داشت تدارک و آماده می‌ساخت و از چیرگی در بیان اندیشه واحد برخوردار بود. من توجه دیگران را در بحث درباره مسائلی که موجب وحدت و یکپارچگی می‌شوند در روحیه گروهی که دنبال حقیقت باشند دست کم نمی‌گیرم. چرا که هرکدام از ما گذشته سنگین سیاسی خود را که پر از کشمکش‌های تاریخی میان جریان‌های گوناگون است دارد. من می‌توانم بگویم که ما همگی و مسأله ملی و قومی ما تاکنون بهای سنگینی برای کشمکش‌های مربوط به مسائل فرعی که بر دوش ما و بردوش پروژه ملی و قومی ما سنگینی می‌کند، پرداخته‌ایم. این محصول تنها در صحنه‌های جهان عرب

شهرستان شقافی



**گفتگوهای دراز مدت و جلسات بسیار
و گاهی انجام بحث‌های توفنده میان
جناح‌های فلسطینی و آمد و شد
ایشان میان این دفتر و آن دفتر با توجه
بسیاری ادامه داشت.**

شهید شقافی نقش بزرگی در رویدادهای ایجاد تحول کیفیتی در اسلام سیاسی که گرفتار کشمکش‌های ایدئولوژیکی بود و منتقل نمودن آن به اسلامی مبارز برخوردار از مسئولیت ملی ایفا نموده است. من در این جا گواهی بزرگداشت این مرد مبارز، شهید دکتر فتحی شقافی را به ثبت می‌رسانم و ادعائی ندارم که آشنائی کاملی با تمام ویژگی‌ها و برجستگی‌های ایشان دارم. آشنائی نزدیک من با ابو ابراهیم طی چند سال گذشته بود که این آشنائی با وی در جریان محفل مذاکرات بی نتیجه مادرید بیشتر شد. در آن زمان کار جدی و مشترک میان سه جریان موجود در جنبش ملی فلسطین به منظور ایجاد بهترین فصل مشترک سیاسی از یک سو و روشی که این فصل‌های مشترک را سازمان دهد از سوی دیگر بوده است. بی تردید ابتکار گردهم آوری جریان‌های سیاسی و قومی و اسلامی در جنبش ملی فلسطین را می‌توان شجاعانه‌ترین و نخستین اقدام وی در این راستا دانست. این رویداد تلخ و سنگین برجان و اندیشه، زمانی اتفاق افتاد که مسأله فلسطین دچار خطرهایی توسط رهبری با نفوذ در سازمان آزادی بخش فلسطین می‌گردید. این رهبری با روش‌های افراطی خود دیگر هیچ حرمتی برای حقوق ملی فلسطین قائل نمی‌شد.

برادر ما دکتر فتحی شقافی همیشه می‌گفت: ما نیاز مبرمی به گردآوری عقل‌های خود داریم تا بدین وسیله سیاست صحیح را برای مسأله خود دنبال کنیم. بیش از آن، نیاز مبرمی به نزدیک شدن به یکدیگر داریم تا با مسئولیتی که بر عهده داریم موانع گذشته را از سر راه خود برداریم و بتوانیم سیاستی صحیح همراه با عملکردی شایسته را در پیش گیریم.

گفتگوهای دراز مدت و جلسات بسیار و گاهی انجام بحث‌های توفنده میان جناح‌های فلسطینی و آمد و شد ایشان میان این دفتر و آن دفتر با توجه بسیاری ادامه



و محور این دیدار تلاش برای حضور در کنفرانس بود. سر انجام سخن من منتقل به سوئد می‌شود که دکتر ترابی در این زمینه برای عذر خواهی و جبران این قضیه و تقویت عذر خواهی، موضع بی طرفانه سوئد نسبت به توافق اسلو را اتخاذ می‌نماید و از عرفات نیز دعوت می‌شود تا در این کنفرانس حضور داشته باشد.

من شخصاً ترابی را نمی‌شناختم ولی آنچه از برادر خود ابو ابراهیم در آن جلسه در باره او شنیدم، از میزان دقت نظر ایشان در شناخت مردم و اندیشه‌های ایشان بود. جلسه طولانی بود ولی از نظر مضمون در ارائه اندیشه‌ها نسبت به تکثر و چندگانگی در جنبش‌های اسلامی و دیدن تعارض‌های میان آنها بسیار اهمیت داشت. من تیتراژ این مقاله را «رویدادهای محدود» نوشته‌ام. آری همین طور است. محدود است چرا که من احاطه زیادی به این شهید و انسان وارسته و پیشتاز ندارم. انسانی که به محض آشنائی با او با روح پاکش و اخلاق شایسته‌اش وارد دل می‌شد. و با گفتگوی موضوعی و آرام و روشنفکری نامحدود خود وارد اندیشه مخاطب می‌شد. هر چند که اختلاف نظرهایی با دکتر شقاقی در زمینه‌های نظری وجود داشت، ولی وی با نگرش موضوعی خود نسبت به مسائل و سعه صدری که داشت همیشه اختلاف نظر را در مکانی مناسب قرار می‌داد.

و سر انجام اینکه به هر میزانی که واژه‌ها بار مثبت زیادی داشته باشند، نمی‌توانند حق مطلب را درباره این شهید ادا کنند. چرا که او از واژه‌ها بزرگ‌تر و سمبلی در نشانه‌ها بود. من یک آرزو داشتم که در این جا آن را بیان می‌کنم و آن این است که «ای کاش ما به لحظه‌ای نمی‌رسیدیم که شاهد سوگ برادرمان ابو ابراهیم باشیم، چون زبان ما در این جا زیاد خواهد شد. فقدان او زبانی برای فلسطین و بلکه زبانی برای جنبش اسلامی مقاوم و روشنائی بخش و سعه صدر در حضور و اندیشه است.» ■

ذهنم وجود داشت تغییر داد که این اندیشه به فعالیت قومی و اوج گیری ناصریسم «در روزهای جنگ کانال سوئز و درگیری‌های جنبش ملی اردن علیه معاهده و دعوت برای عرب نمودن ارتش و مسأله حقوق ملی و حکومت نظامی در نیمه دهه پنجاه و مقاومت پیمان‌های استعماری» ارتباط داشت.

چگونگی عمل جنبش‌های اسلامی و نفرت آنها از این درگیری‌ها که از نظر موضوعی این جنبش‌ها با توان عمده‌ای که داشتند در کنار دشمنان ما در جنگ علیه نیروهای ملی و قومی می‌قرار می‌گرفتند.

و پس از آن موضعگیری این جنبش‌ها نسبت به دگرگونی‌های اجتماعی ناشی از تحول و تغییرات معاصر زندگی، تمامی این نگرش‌ها مرا از محدود ماندن توجه این جنبش‌ها به دغدغه‌های ملی و قومی و نسبت به رویدادهای تازه به اندیشه‌ای مبدل ساخت و می‌گفت اندیشه تازه‌ای وجود دارد که بیانگر یک جنبش روشنفکرانه اسلامی سیاسی برخوردار از مفهوم دموکراسی سیاسی و اجتماعی است و از مکانیزم‌های ملی شدیداً مورد نیاز و به ویژه مسأله فلسطین و کشمکش با رژیم صهیونیستی برخوردار است و به حق، من به گفته‌های این مرد محترم سراپا گوش بودم چرا که در او روح تازگی و نوگرایی وجود داشت.

در این زمینه دقت او را در فهم و درک مسائل به یاد دارم. در سال ۱۹۹۳ دعوت از ما برای حضور در کنفرانس ملی عربی و اسلامی سوئد از سوی استاد حسن ترابی انجام گرفت. در آن تاریخ ما در کار فرماندهی جبهه خلق برای آزادی فلسطین از پذیرش این دعوت به خاطر اقدام سوئدان به تحویل کارلوس مبارز بین المللی به پلیس فرانسه که ما آن را یک معامله کثیف میان فرانسه و سوئد دانستیم و با عدم دادن پاسخ مثبت به این دعوت برای شرکت در این کنفرانس اعتراض خود را به سوئدان به خاطر اقدام این کشور علیه کارلوس نشان دادیم. که در این رابطه میان من و دکتر شقاقی با حضور برادر ابو احمد عصام دیداری صورت گرفت

در این زمینه من به یاد دارم موضع ایشان را در روز بروز بحث و جدال‌های داغ با برادران جنبش حماس در رابطه با اعلام نام همبستگی میان گروه‌های دهگانه فلسطینی که می‌گفت اجازه دهیم ما درباره نامگذاری‌ها با هم ستیز و جدال نداشته باشیم. چون فلسطین بزرگ‌تر از همه این نام‌ها است. او توان بالائی در نوشتن سند سیاسی مکمل داشته است.

این مرد تمایزهای بسیاری داشت که برخی از آنها را متذکر می‌شوم:

۱ - هنگامی که سمیناری برگزار می‌شد و او در آن شرکت داشت، با روح بلند و آرامش عمیق خود در گوش فرا دادن به بحث و نظرهای طرف دیگر هر چند که در تناقض با نظر او بود برخورد می‌کرد.

۲ - او حساسیت‌های بالائی نسبت به نگرش ابعاد پروژه صهیونیستی و خطر آن بر امت از خود نشان می‌داد. که این حساسیت او را به موضوع بی‌چون و چرائی دایر بر لزوم ایجاد ارتباط تنگاتنگ میان ملی‌گرائی‌ها و قومی‌گرائی‌ها و اسلام‌گرائی‌ها سوق می‌داد.

۳ - او در ابراز مواظبت جدی در بحث مسائل مشترک میان همه طرف‌ها تمایز داشت، و همیشه خواهان انجام گفتگو بود و می‌گفت چنانچه تلافی اندیشه‌های ما ممکن نباشد، اجازه دهید همیشه با هم دیدار داشته باشیم تا به اندیشه‌های یکدیگر نزدیک باشیم چون ما با این نزدیکی دایره آشنائی و محبت، روح برادری خود را که به وحدت و یا کار مشترک کمک نماید، گسترش خواهیم داد. وی عملاً الگوی روح فعال پیشتاز به سوی جمع و وحدت بود. وی از فعالیت در این راه دست بردار نبود و در نظریه پردازی مورد توافق در جهت پیاده کردن آن نظریه‌ها در زمین وطن خویش فعال بود. و در این صدد هنگامی که جناح‌های همبستگی میان نیروهای فلسطینی به تهیه توافقنامه سیاسی رسیدند، گفتگو به نوشتن چنین توافقنامه‌ای انتقال یافت. از این رو دکتر شقاقی در موضع حرکت خود و شخصیت با فضیلت خود به نکات زیر متمایز گشت:

الف - عدم ایجاد تمایز و یا پذیرش این تمایز میان گروه‌های فلسطین.

ب - دعوت به انتقال مکانیزم‌های هم‌پیمانی میان گروه‌های فلسطینی به داخل فلسطین.

پ - تأکید بر عدم اعمال سیاست نادیده گرفتن طرف مقابل، به خاطر وجود روح تعصب آمیز در اینجا و یا آنجا و وی همیشه در کنار نقطه نظر صحیح که گاهی توسط دیگران مردود شمرده می‌شد، قرار می‌گرفت.

د - برای او مهم نبود چه کسی رهبری را به عهده گرفته است مادامی که وی در راه فلسطین باشد بلکه به عقیده او آنچه مهم است آن شخصی است که کار می‌کند.

۴ - این انسان مبارز، اندیشه‌ای را که از سال‌ها پیش در

شهر شهید فتحی شقاقی



به هر میزانی که واژه‌ها بار مثبت زیادی داشته باشند، نمی‌توانند حق مطلب را درباره این شهید (فتحی شقاقی) ادا کنند. چرا که او از واژه‌ها بزرگ‌تر و سمبلی در نشانه‌ها بود.